

همراه با نواهای محلی

گروه موسیقی
گزارش

سرنا یا سوزنا، نام ساز بادی باستانی ایرانی است که از چوب ساخته می‌شود و از دسته سازهای دوزبانه است. سرنا ی محلی بیشتر با دهل نواخته می‌شود و در بعضی نواحی مانند بختیاری و دزفول از سرنا ی کوچک استفاده می‌شود. در این گزارش به برخی از ویژگی‌های ساز سرنا خواهیم پرداخت.

ریشه لغت سرنا

سرنا و گرناهر دوه معنی بوق وبا لغت (به انگلیسی) Horn در انگلیسی از یک ریشه هستند. در اصل در میان اقوامی که زبان هند و اروپایی اولیه را صحبت می‌کردند این ساز به علت این که از شاخ حیوانات ساخته می‌شد به این اسم نامیده شده است. شاهد دیگری که به این ادعا و مشبهت مهر تایید می‌زند نام ذوالقرنین، به معنی دارنده دو شاخ است. قرن که مغرب گرن است (که در اسم گرنامشاهده می‌شود) به معنی شاخ است. البته سرنا ی کنونی به مراتب از بوق‌های شاخی اولیه پیشرفته‌تر است، ولی عضوی از خانواده سازهای بادی یا بوقی به شمار می‌آید.

سرنا در ایران

سرنا سازی نه تنها محلی، بلکه قدیمی است. در اشعار شعرای ایران بسیار نام سرنا، سوزنا و سوزنا ی آمده است. این ساز در سیستان و بلوچستان، خراسان و لرستان از دیرباز رواج داشته و حتی امروزه نیز در مجالس شادی و هنگام خواندن ترانه‌های محلی این نواحی به کار می‌رود. در نواحی لرستان سرنا ی کوچک و در نواحی بختیاری سرنا ی بلند برای مراسم شادی و غم و سرنا ی کوتاه بیشتر برای مراسم غم معمول است. سرنا ی محلی معمولاً با دهل نواخته می‌شود. در میان سرنا نوازان مشهور ایرانی می‌توان از علی اکبر مهدی پور دهکردی، نوازنده نوروزنامه یا همان موسیقی هنگام تحویل سال نو و نیز رضا مریدی دلفان و شلمیرزا مرادی مشهورترین نوازنده سرنا ی کوچک (کوتاه) نام برد.

معرفی ساز سرنا

در کشور ما این ساز تحت عناوین نظیر به زرن، ذرنا و ذورنا نامیده می‌شود. ساز سرنا در بین اقوامی نظیر بلوچ‌ها، کردها، گیلانی‌ها، ترک‌ها، فارس‌ها و مازندرانی‌ها وجود دارد. البته در همه اقوام به این نام معروف نیست مثلاً در میان بلوچ‌ها به شیدی (shidi) در میان کردهای شمال خراسان به پیچ (pijg) معروف است در مازندران به سرنا (sema) یا درنا (zema) معروف است. ساز سرنا معمولاً با دسر کوتنی یا نقاره همراه است. در مازندران از سرنا ی نوع یم بیشتر استفاده می‌شود.

سرنا از چهار قسمت تشکیل شده است:

- ۱- قمیش
- ۲- لب‌گیر
- ۳- انبرک
- ۴- بدنه ساز

قمیش: از نوعی نی نرم به نام آکس (aks) تهیه می‌شود که آن را با آب و ارم می‌خیسانند و داخل دهان قرار می‌دهند و به وسیله مجرای باریکی که در وسط قمیش قرار دارد بازدم سرنا می‌شود. طول قمیش که به لب گیر بسته می‌شود حدود یک تا دوساتی متر است.

لب‌گیر: به صورت دایره‌ای و اشر ملند است. که جنس آن فازی است و ما بین لب نوازنده و سرنا قرار می‌گیرد قطر آن چهار سانتی متر یا کمتر و طول آن ۱۴ سانتی متر یا کمتر است.
بدنه سرنا: به صورت لوله‌ای مخروطی از جنس چوب شمشاد یا آزاد یا گردو، گاهی اوقات هم از توت ساخته می‌شود. اما نوع شمشاد صدادهی بهتری دارد.

انتهای بدنه سرنا به صورت مخروطی و مثل سازهای شیپوری طراحی شده است. سرنا ی مازندرانی شش سوراخ در قسمت بالا و یک سوراخ در قسمت پایین دارد. قبل از نواختن ساز آن را با آب و ارم خیس می‌کنند، این کار برای صدادهی بهتر است. طول سرنا کامل نبوده و از ۳۰ تا ۴۰ سانتی متر و در بعضی نقاط تا ۵۰ سانتی متر می‌رسد. سرنا ی بلندتر صدای بم‌تری نسبت به سرنا ی کوتاه‌تر دارد. حدود صوتی صدای سرنا ی مازندران دواکتا و است. سرنا را به صورت نفس‌در گردان می‌نوازند.

آهنگ‌های مخصوص سرنا:

آهنگ‌های مخصوص سرنا شامل پیشنمازی، یک‌چوبه، دوچوبه، سه‌چوبه، ترکمنی، کتولی، ورساتی و... است.
این ساز همواره در اعیاد، جشن‌ها، مراسم ورزشی و... نواخته می‌شده است.